



بررسی معماری و جایگاه پرستشگاه‌های ایران در دوره ساسانیان

احسان طهماسبی*

چکیده: این مقاله به مطالعه تاریخی پرستشگاه‌های ایران در دوره ساسانیان اختصاص دارد. مهم‌ترین پرسش‌های آن درباره چگونگی آیین‌ها و اهمیت و جایگاه پرستشگاه‌ها در این دوره و امپراتوری‌های پیش از آن و نیز آرایش معماري و مهم‌ترین فضاهای این پرستشگاه‌های است که بیشتر به نام آتشکده شناخته‌ورنده است. برای رسیدن به این مقصود، نخست مهرین و بیزگی‌های جامعه ایران را در دوره ساسانیان مانند نسبت دین و حکومت و جایگاه روحانیان در میان طبقات جامعه مطالعه می‌کنیم. سپس به بررسی جایگاه پرستشگاه‌ها در آن دوره می‌پردازیم که مواردی چون مراسم و رویدادهای درون این بنها را در بر می‌گیرد. در بخش سوم، آرایش معماري پرستشگاه‌های دوره پارسیان و در بعضی پارسیان، پرستشگاه‌های ساسانیان را، که عمدتاً آتشکده‌اند، بررسی خواهیم کرد. در پایان مشخص شد که در آتشکده‌ها هم مراسم مذهبی مانند نیایش آتش مقدس و جشن‌های آیینی و هم مراسم درباری رخ می‌داده است. اصلی‌ترین فضاهای آتشکده‌های مشهور ایوان و کنبدخانه و میان‌سرا (حیاط درونی) بوده که به صورت محوری پشت سر هم قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: حکومت ساسانیان، آیین زردشتی، جایگاه پرستشگاه‌ها، معماری آتشکده‌ها

مقدمه

بیشترین کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی درباره معماری ساسانیان در ایران، در سال‌های میانی قرن بیستم و تقریباً همه آنها به دست پژوهشگران و باستان‌شناسان غربی انجام شده است. نتایج این تحقیقات عموماً به صورت کتاب یا مقاله، با موضوع کلی معماری ساسانیان یا تکنیک‌های پراکنده انتشار یافته است. این بررسی‌ها به چند علت خالی از اشکال نیست: نخست آن که برخی آثار به دقت مطالعه نشده‌اند؛ دوم آن که از برخی کاوش‌ها زمان بسیاری می‌گذرد و بررسی‌های جدیدتر شماری از نتایج پیشین را نقض می‌کند؛ سوم آن که بیشتر این پژوهشگران آگاهی کاملی از بیزگی‌های جامعه ایران نداشته‌اند که این سبب شده است در شماری از موارد قضاوت درستی نداشته باشند. در این مقاله می‌خواهیم پیش از آن که بیزگی‌های کالبدی این گونه آثار را تحلیل کنیم، نخست به مطالعه انسان دوره ساسانیان پردازیم، زیرا اوین بنها ساخته و در آنها زندگی کرده و به آنها معنا بخشیده است.

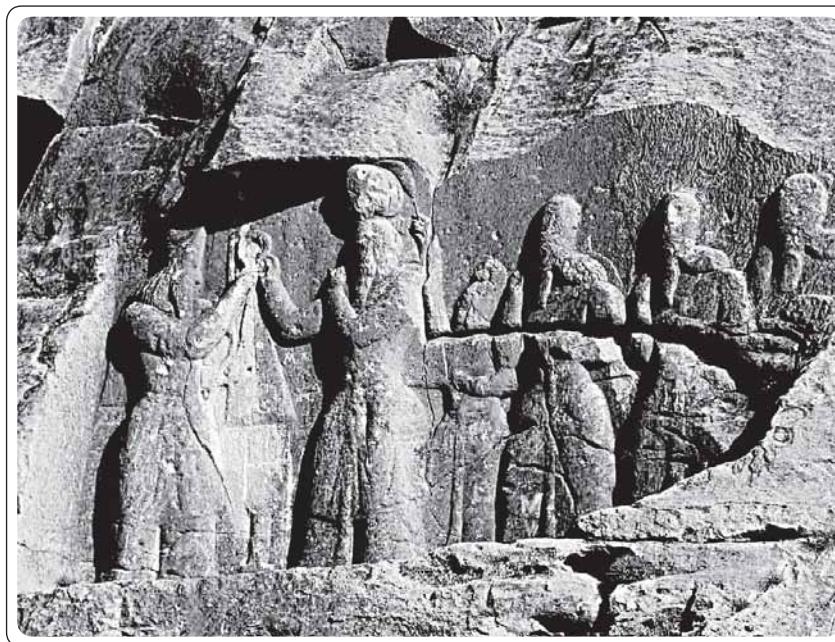
* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛ واحد سروستان (فارس).



هدف این مقاله تلاش برای روشن کردن اهمیت و جایگاه پرستشگاهها در دوره ساسانیان و شناخت رویدادهایی است که در آنها خ می‌داده است. همچنین می‌خواهیم بدانیم فضاهای اصلی و آرایش معماری متداولشان چگونه بوده است. برای رسیدن به این منظور، نخست ویژگی‌های مهم جامعه ساسانیان مانند چگونگی حکومت و رابطه آن با دین و طبقات جامعه را مطالعه می‌کنیم. سپس به جایگاه پرستشگاهها در این دوره می‌پردازیم که مواردی چون تحوه انجام مراسم و زندگی درون آتشکده‌ها را در بر می‌گیرد. برای آن که بتوانیم ویژگی‌های معماری آتشکده‌های ساسانیان را درست‌تر بشناسیم، لازم است شناختی از پرستشگاه‌های پیش از آن نیز داشته باشیم. بنابراین در بخش سوم به بررسی این بناها در دوره پارتیان خواهیم پرداخت. بخش پایانی به مطالعه معماری پرستشگاه‌های ساسانیان، که غالباً آتشکده‌اند، اختصاص دارد. سرانجام این پژوهش شناخت دقیق‌تر فضاهای اصلی، آرایش معماری، و کیفیت زندگی درون این پرستشگاه‌ها خواهد بود. منابع اصلی این تحقیق پژوهش‌ها و تاریخ‌نامه‌هایی است که در دوره معاصر در این زمینه نوشته شده‌اند. در مواردی نیز از متون تاریخی و نقش‌برجسته‌ها کمک گرفته‌ایم.

جامعه ایران در دوره ساسانیان

ساسانیان حاکم سرزمینی شدند که پیش از آن، در زمان اشکانیان، فاقد تمرکز سیاسی و دین رسمی بود. شاهان ساسانی به حکومتی متمرکز اعتقاد داشتند و بر این باور بودند که خداوند ولایت سرزمین ایران را به آنان اعطاء کرده است، بر همین اساس دین و دولت را لازم و ملزم یکدیگر می‌دانستند.^۱ با این که آنان آیین زرتشتی را دین رسمی کشور اعلام کردند، آیین‌های کهن دیگر نیز در میان مردم تا پایان این دوره باقی ماند.^۲ (تصویر ۱)



تصویر ۱: نقش بر جسته ناج‌ستانی اردشیر از اهورامزدا در تنگاب فیروزآباد. عکس از: نویسنده.

ساسانیان، از همان آغاز حکومت، طبقات اجتماعی را نظم بخشدند؛ برخی منابع از چهار طبقه «روحانیان»، «سپاهیان»، «کشاورزان»، و «پیشه‌وران» در این دوره گزارش داده‌اند، اما برخی دیگر از طبقه‌ای به نام «دبیران» در میان سپاهیان و مهنه (کشاورزان و پیشه‌وران) سخن گفته‌اند.^۳ جایگاه روحانیان



زردشتی، پس از شاه و خانواده‌اش، از دیگر طبقات بالاتر بود. آنها هم نقش دینی و هم دولتی داشتند و به ترتیب اهمیت مقام و وظیفه به دسته‌های موبدان و هیربدان و دیگر معان تقسیم می‌شدند. آنها عموماً بسیار متمول بودند و نقش فراوانی در زندگی مردم داشتند. حتی به گفته برخی پژوهشگران، روحانیان وابسته به دربار تحریفاتی را در آیین زردشتی وارد کردند.^۵

جایگاه پرستشگاه‌ها در دوره ساسانیان

ساسانیان پرستش اهورامزدا و احترام به آتش را به منزله راست‌کیشی زردشتی می‌شناختند. با این‌که نیایش آتش از دوران پیشین نیز وجود داشت، برخی معتقدند که این مراسم به شکلی متفاوت از دوره ساسانیان و بیشتر در فضای باز انجام می‌شده است.^۶ آتشکده مکان پرستش ایزد آتش، اهورامزدا، بوده و گاهی معابد دیگر ایزدان را نیز به همین نام می‌خوانده‌اند. در دوره ساسانی از سه آتشکده اصلی به نام‌های «آذرفرینغ» و «آذرگشنسپ» و «آذربرزین مهر» که به ترتیب به روحانیان و جنگاوران (و درباریان) و کشاورزان اختصاص داشته، نام برده‌اند.^۷ آتشکده‌ها را شاهان و بزرگان و روحانیان مهم می‌ساختند و املاک فراوانی برایشان وقف می‌کردند و مالیات‌ها و درآمدهایی نیز به آنها اختصاص می‌دادند.^۸ نگهداری آتشکده‌ها به عهده هیربدان بود. همچنین وظيفة خدمت‌گذاری وقت نیز در این مکان‌ها وجود داشت و کسانی برای ترکیه نفس یا رسیدن به هدفی مذهبی در آنها به کار می‌پرداختند. در این تشکیلات افرادی نیز در مقام حسابدار و کنترل کننده امور اداری و وقفي فعالیت می‌کردند. مراسم مذهبی درون معابد را روحانیان انجام می‌دادند که اعمال مذهبی روزانه و جشن‌های فصلی و سالیانه را شامل می‌شد. مراسم نیایش آتش با اعمال خاصی همراه بود و چندین روحانی در اجرای آن همکاری می‌کردند.^۹

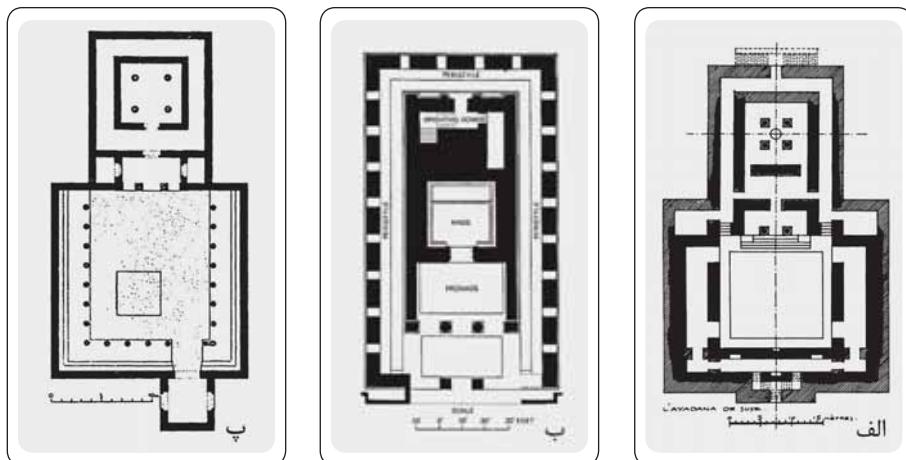
در منابع آمده است که روحانیان در مکان‌هایی خاص، در زمینه علوم دینی آموزش می‌دیدند. برخی معتقدند آتشکده‌ها کانون آموزش این مسائل به آنها و عامه مردم بوده است. در سیاری از منابع مهم به مکان‌هایی با نام «مغستان»، «هیربستان»، «دیبرستان»، «بسitan»، و «فرهنگستان» اشاره شده است.^{۱۰} به نظر می‌رسد هیربستان‌ها تنها در پرستشگاه‌های بزرگ جای داشته‌اند، به این صورت که بخش‌هایی از بنا مخصوص مراسم نیایش بوده و بخش‌هایی نیز به آموزش و زندگی روزانه روحانیان اختصاص داشته است. آموزش شاعیر مذهبی به مردم احتمالاً در همهٔ معابد انجام می‌شده است، سنتی که در دوران اسلامی نیز تداوم پیدا کرد.

معماری پرستشگاه‌های ایران در امپراتوری‌های پیش از دوره ساسانیان

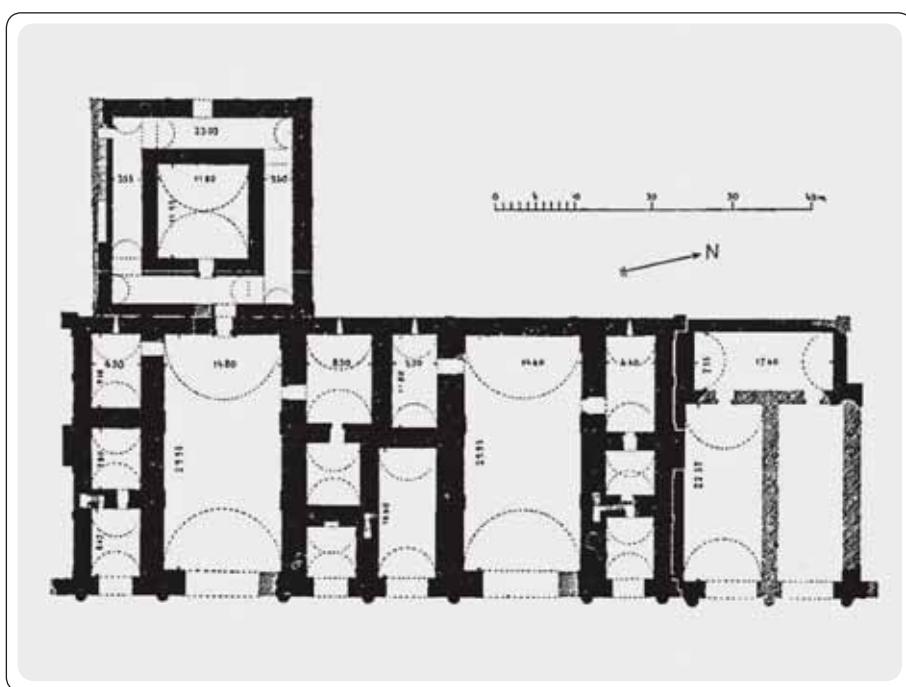
پرستشگاه‌های مهم ایرانیان، در زمان امپراتوری‌های پیش از اسلام، مختص سه ایزد اهورامزدا و میترا و آناهیتا بود که آیین‌هایشان با باورهای کهن اقوام هندو ایرانی پیوند داشت.^{۱۱} از چگونگی برگزاری مراسم مذهبی و شکل پرستشگاه‌ها در دوره هخامنشی اطلاعات دقیقی نداریم، با این حال به نظر می‌رسد آنها به هر سه ایزد ذکر شده توجه نشان می‌دادند و مراسم‌شان را در نیایشگاه و یا فضای باز برگزار می‌کردند. در زمان پارتیان، به گفته مورخان، برای هر سه ایزد پرستشگاه‌هایی ساخته شد که در این میان از معابد آناهیتا و میترا بیشتر سخن گفته‌اند. از این دوران سلوکیان و پارتیان چند پرستشگاه می‌شناشیم که تا حدی تحت تأثیر معابد یونانی نیز بوده‌اند، مانند «آیدانه» در شوش، «جنديال» در تاکسیلا در پاکستان، و «سخر» در سوریه. (تصویر ۲) آرایش کلی معماری آنها به این صورت است: «یک پیشخوان (رواق) ورودی با دو ستون، پشت آن اتاقی دیگر که به اتاق مربعی اصلی می‌رسد، و بالاتر از همه، راهروهای محاط کننده». ^{۱۲} البته این آثار تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند، مانند بودن با نبودن پیش‌فضای مستطیلی، کیفیت فضاهای، نوع ارتباط راهروی پیرامونی با دیگر فضاهای از دوره پارتیان چند پرستشگاه‌های ایوان دار نیز می‌شناشیم، مانند مسجد سلیمان و هتراء (حضر). فضاهای اصلی معبد «هتراء» را چند ایوان و یک اتاق مقدس محاط در یک راهرو تشکیل داده‌اند. بخش اصلی پرستشگاه از یک سو به انتهای ایوان اصلی راه دارد و از سوی دیگر به محیط بیرون باز می‌شود. (تصویر ۳) مجموعه مهم دیگر در «کوه خواجه» در نزدیکی زابل است که بخش کاوش شده آن به قلعه سام معروف است. این بنا در سه سطح ساخته شده که در پایین‌ترین سطح آن حیاط و ایوان‌ها و



دیگر فضاهای پیرامونی قرار گرفته و ساختمان اصلی معبد که اتفاقی مریع شکل با راهروی پیرامونی است، در بالاترین صفة دیده می‌شود. بر پایه نظر پژوهشگران در دوره ساسانیان نیز در این مجموعه ساخت و سازهایی انجام شده و احتمالاً آنکه متعلق به آن دوره است.^{۱۲} (تصویر ۴) افرون بر موارد ذکر شده، در این دوره از معابد مهری که درون غارها یا زیر زمین بوده‌اند و نیز بغین خانه‌ها و شمایل خانه‌ها نیز سخن گفته‌اند، اما هنوز به خوبی آنها را نمی‌شناسیم.^{۱۳}



" تصویر ۲: (الف) معبد «آیادنه» در شوش، (ب) «جندیال» در تاکسیلا، (پ) «سحر» در سوریه. مأخذ: Parthian Architecture".

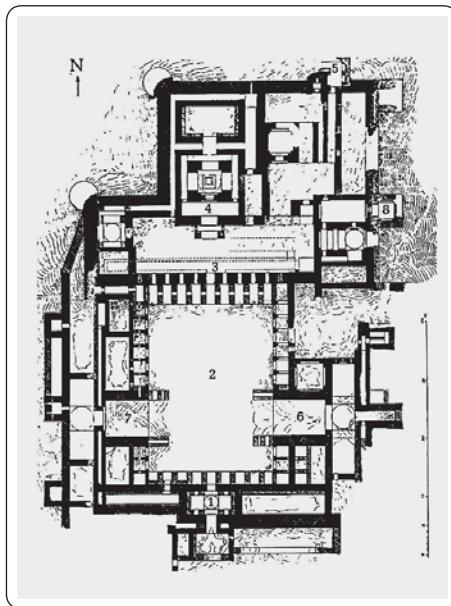


" تصویر ۳: معبد «هتر». مأخذ: Parthian Architecture".



معماری پرستشگاه‌های ایران در دوره ساسانیان

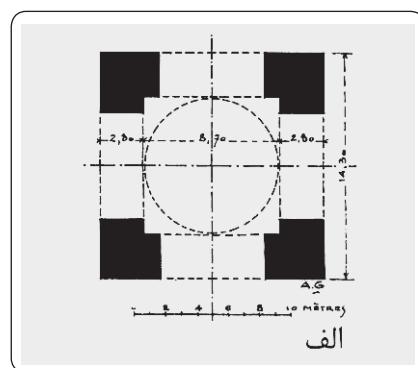
«چهارتاق» (چهارتاقی) مشهورترین گونه ساختمانی است که پژوهشگران به آن کارکرد آتشکده یا آتشگاه داده‌اند. در مطالعه چهارتاق‌ها دقت به چند نکته ضرورت دارد: نخست آن که همه آنها را در دوره ساسانی نساخته‌اند؛ دوم آن که بیشترشان بنای منفرد نبوده‌اند؛ سوم آن که نباید همه آنها را آتشگاه تصور کنیم. برای قضایت درباره آتشگاه بودن آنها باید به این نکته توجه داشته باشیم که در آین زردشتی آتش مقدس باید محفوظ و دور از تابش مستقیم آفتاب باشد.^{۱۵} با این همه، حتی اگر همه چهارتاقی‌ها آتشگاه نباشند، غریب نیست اگر تصور کنیم که بیشترشان نقش‌های آیینی داشته‌اند. (تصویر ۵)



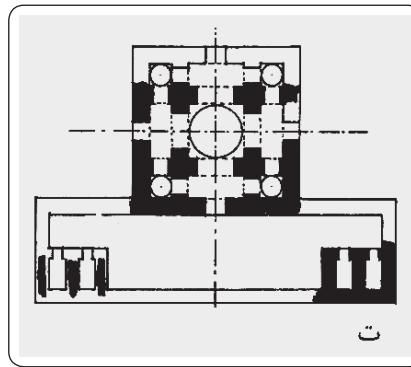
تصویر ۴: «کوه خواجه» در زابل. مأخذ: «یادمان خشی کوه خواجه زابل».



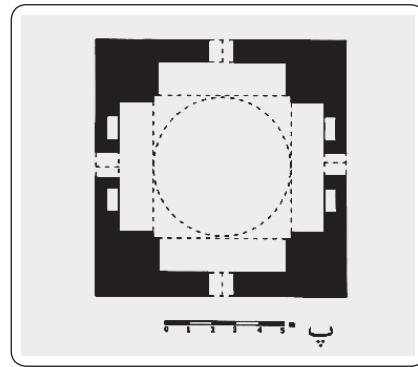
الف



ب



ت

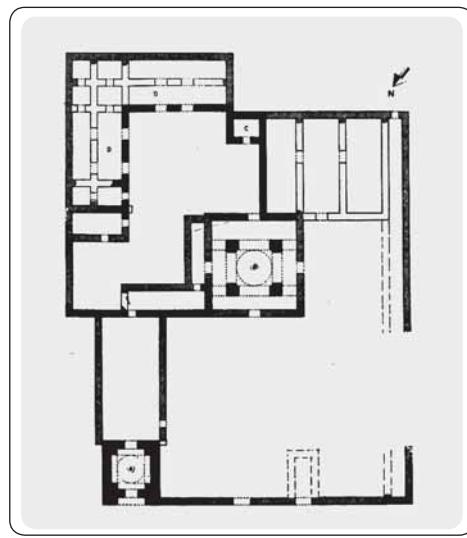


پ

تصویر ۵: الف) چهارتاق (چهارتاق)، ب) (کوهنازو)، پ) (تگ آتشگاه)، ت) (سرمشهد). مأخذ: «آذرکدها».

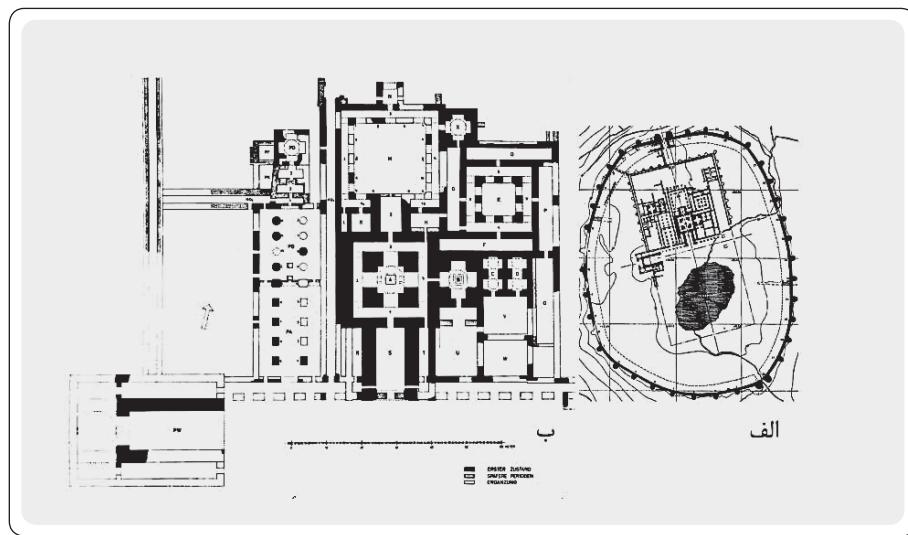
آتشکده «گُنار سیاه» از جمله آتشکده‌های چهارتاق دار است که در فراشبند فارس، بر دامنه مرتفع کوهی قرار گرفته و قدمت‌ش به اواخر دوره ساسانیان یا اوایل دوره اسلامی می‌رسد. این مجموعه دارای دو ساختمان چهارتاق‌مانند است که فضاهای اطرافشان ویران شده است. بر اساس نظر پژوهشگران یکی از آنها برای نگهداری آتش مقدس بوده و فقط روحانیان اجازه ورود به آن را داشته‌اند، و دیگری برای مراسم عمومی به کار می‌رفته است. همچنین این مجموعه دارای راهروها و اتاق‌هایی است که شاید محل سکونت روحانیان بوده است.^۶ (تصویر ۶)

«خت سلیمان» بزرگ‌ترین مجموعه مذهبی شناخته شده از دوره ساسانیان است که در نزدیکی تکاب آذربایجان قرار گرفته است. کل مجموعه به همراه بناهای پراکنده دیگری در حصاری بزرگ، دارای دو دروازه شمالی و جنوبی، با یک دریاچه در میان آن قرار گرفته است. به نظر رودولف ناومان، نخستین کاوشگر اثر، این



ت ۶. آتشکده «گُنار سیاه». مأخذ: ایران باستان.

مجموعه دارای دو آتشکده است که با یک راهرو از یکدیگر جدا شده‌اند. آتشکده بزرگ مغ‌ها در شرق قرار گرفته و شاید تأسیسات غربی کارکردی مذهبی، درباری و یا عمومی داشته است.^۷ در مهم‌ترین محور آتشکده اصلی، که در راستای مرکز دریاچه است، ایوانی عمیق، اتاق گبددار آتش مقدس و راهروی دورش، ایوان پشتی، میان‌سر، و ورودی شمالی قرار گرفته‌اند. دو اتاق چلپایی دیگر نیز در مجموعه دیده می‌شوند که دارای آتشدان سنگی‌اند. همچنین در پشت حیاط شمال شرقی اتاق‌هایی پیدا شده که شاید جای زندگی روحانیان بوده است. (تصویر ۷)



تصویر ۷: (الف) محوطه حصار «خت سلیمان»، (ب) آتشکده «خت سلیمان». مأخذ: ویرانه‌های خت سلیمان و زندان سلیمان.

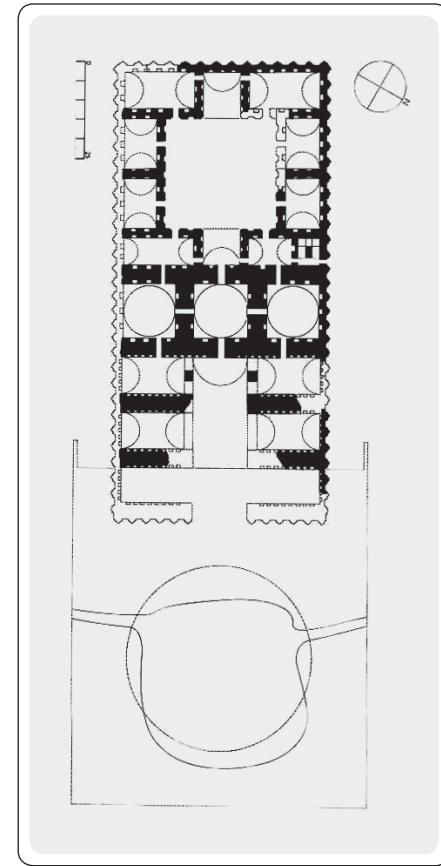




اثر مشهور دیگر «آتشکده فیروزآباد» است که در دوره معاصر به آن کاخ فیروزآباد نیز گفته‌اند، اما این بنای ویژگی‌های مهم یک کاخ راندارد. در مقابل بنا حصاری مربعی بوده است که هنوز چشمهای دایره‌شکل از درون آن می‌جوشد. آرایش معماری متقاضن آن به این صورت است که ایوانی عمیق روپروری بر که قرار گرفته که دارای سه جفت فضای نسبتاً بزرگ رو به محور اصلی است. پس از آن سه گنبدخانه در سطحی بالاتر دیده می‌شوند که ممکن است جایگاه سه آتش مقدس بوده‌اند.^{۱۸} اگر نه، احتمالاً گنبدخانه مرکزی جایگاه آتش مقدس بوده و از گنبدخانه‌های کناری برای مراسمی دیگر استفاده می‌کرده‌اند. پس از گنبد میانی به ایوانی کم‌عمق و سپس به میان‌سرایی، که در اطرافش اتاق‌های دیگر قرار گرفته‌اند، می‌رسیم. در انتهای میان‌سرا نیز ایوانی دیگر، در محور اصلی، به چشم می‌خورد. (تصویر ۸)

یکی از پرسنل‌گاه‌های مهمی که به تاریگی کلوش شده، آتشکده «بندیان» در گز در شمال شرقی ایران و نزدیک مرز ترکمنستان است. فضاهای مجموعه عبارت است از ایوان یا تالاری با چهار ستون، اتاق نگهداری نذورات و مراسلات، فضای ارتیاطی، اتاق آتشگاه، اتاق استودان، ایوان، اتاق مدور روباز، و اتاق خدمتای.^{۱۹} اتاق آتشگاه چلپایی‌شکل و احتمالاً گنبددار بوده و آتشدانی در آن قرار گرفته است. در کنار آتشگاه اتاقی است که کاوشنگ اثر آن را محل نگهداری استودان داشته که وجود آن در کنار یک نیایشگاه بی‌سابقه است. در سوی مقابل آن نیز فضای

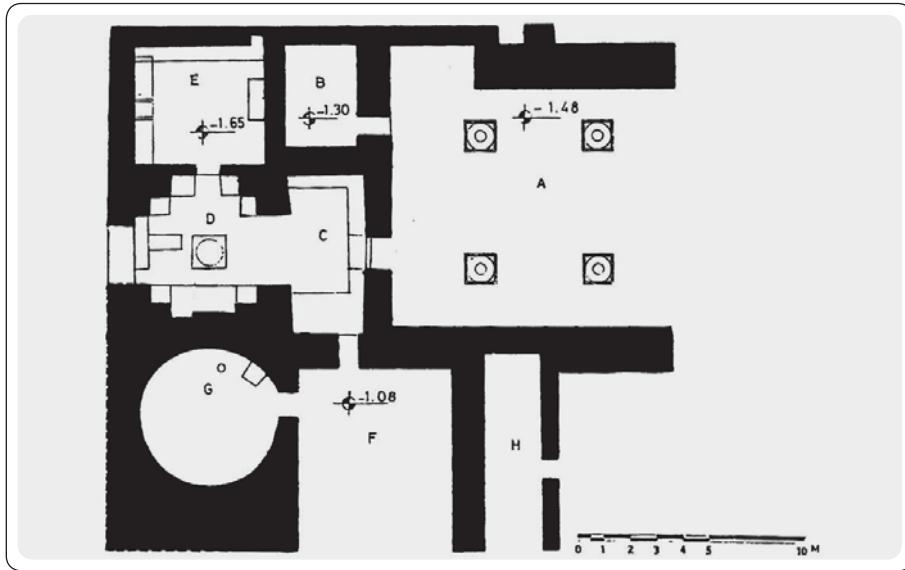
مدور و روباز و نا آشناست که کاوشنگ آن را برشنوم‌گاه، یعنی جایی برای تطهیر نامیده است. نکته جالبی از ترجمة یکی از کتبیه‌های آتشکده به دست آمده این است که «نیایشگاه بندیان، علاوه بر [داشتن] جنبه مذهبی و اعتقادی، محل اطلاع رسانی از عزل و نصب‌ها و شکست‌ها و پیروزی‌ها، اعلام شیوه جمع‌آوری سپاه و تعداد آنها برای جنگ با دشمن، و احیاناً اعلان مقدار مالیات به هر شهر نیز بوده است».^{۲۰} (تصویر ۹)



تصویر ۸. «آتشکده فیروزآباد». مأخذ: قلعه دختر- آتشکده.

جدول مقایسهٔ تطبیقی

حصار	آبگیر	غلام‌گردش	میان‌سرا	گنبدخانه	ایوان	
ندارند	برخی دارند	برخی دارند	ندارند	دارند	نامشخص	چهارتاقی‌ها
دارد	نامشخص	دارد	دارد	دو تا	نامشخص	کنار سیاه
دارد	دارد	دارد	دارد	دارد	دو تا	تخت سلیمان
دارد	دارد	در طبقات بالا	دارد	سه تا	سه تا	فیروزآباد
نامشخص	نارد	نارد	نامشخص	دارد	دو تا	بندیان در گز



تصویر ۹. آتشکده «بندیان» درگز. مأخذ: «معرفی آذریان مکشوفه دوره ساسانی در بندیان درگز».

سخن پایانی

به علت پیوند دین و دولت در حکومت ساسانیان، مراسم درباری و مذهبی مشترکات زیادی داشت. به احتمال فراوان شاهان یک بار در تختگاه سیاسی و بار دیگر در تختگاه دینی، در آتشکده و در حضور روحانیان، تاج‌گذاری می‌کردند و به این ترتیب به سلطنت‌شان اعتبار می‌بخشیدند.

در این دوره بیشتر پرستشگاه‌ها را برای نیایش آتش و اهرامزدا می‌ساختند، البته در برخی از آنها ایزدان دیگر نیز ستایش می‌شدند. آتشکده‌ها را شاهان و روحانیان مهم بنا می‌نهادند و وظیفه نگهداری از آنها بر عهده موبدان و هیربدان بود. مراسم مذهبی درون پرستشگاه‌ها را نیز روحانیان انجام می‌دادند که اعمال مذهبی روزانه و جشن‌های گوناگون را در بر می‌گرفت. روحانیان در مغستان‌ها و هیربدستان‌ها آموزش می‌دیدند که احتمالاً در آتشکده‌های بزرگ جای داشت.

معابد دوره پارتی از یک اتاق مقدس و راهروی اطرافش و پیشخوان جلوی آن تشکیل می‌شد و شماری نیز ایوان‌دار بودند. در دوره ساسانی مشهورترین گونه ساختمانی برای ساخت پرستشگاه‌ها، چهارتاق بود که معمولاً با فضاهای دیگری ترکیب می‌شد. بر اساس مطالعه آتشکده‌های مشهور از دوره ساسانی تا امروز دریافتیم که برخی از آنها ساده‌تر و تنها فضای اصلیشان اتاق آتش گنبددار بوده و برخی دیگر مفصل‌تر بوده و علاوه بر گنبدخانه آتش مقدس، فضاهایی نیز برای برگزاری مراسم دیگر و جشن‌ها داشته‌اند. از نظر آرایش معماری، آتشکده‌های مهم اغلب دارای ایوان و گنبدخانه و میان‌سرا بودند که معمولاً به صورت محوری در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند.

سخن پایانی این که یک آتشکده مهم تنها جایی برای نیایش آتش مقدس نبوده است، بلکه نقش‌هایی چون دادن اعتبار به سلطنت پادشاه، برگزاری مراسم تشریفاتی دربار و جشن‌های گوناگون، دخالت در اداره سیاسی شهر یا ایالت یا کشور، مشارکت در امور اقتصادی، و آموزش علوم دینی به روحانیان و مردم را نیز داشته است؛ مانند یک مسجد جامع و کلیسا‌ی اعظم. دیگر آن که با گذشت زمان، چه پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی، تغییراتی در آینین زردهشی پدید آمده که بر شکل پرستشگاه‌هاییشان نیز تأثیر گذاشته است.



یادداشت‌ها

۱. نک: شیرین بیانی، شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان، ص۴۳؛ و محمد بن خاوندشاه میرخواند، تاریخ روضه الصفا، ص۸۶۸؛ و «نامة تنسر»، تصحیح مجتبی مینوی، ص۵۲.
۲. تورج دریایی، شاهنشاهی ساسانی، ص۹۱.
۳. نک: آ. کریستنسن، وضع ملت و دولت در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص۲۲؛ و ا. نفضلی، جامعه ساسانی، ص۱۴.
۴. وع. مسعودی، التبیه و الاشراف، ص۹۷؛ و «نامة تنسر»، ص۵۵.
۵. نک: مری بویس، زردشتیان باورها و آداب دینی آنها ص۱۳۳.
۶. ع نک: آ. گدار، هنر ایران، ص۱۸۷.
۷. آ. کریستنسن، همان، صص ۱۱۹-۱۲۱.
۸. نک: ر. ن. فرای، میراث باستانی ایران، ص۲۷۹؛ و ا. یارشاстр، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ص۳۲۵.
۹. نک: ت. دریایی، همان، ص۶۲ و آ. کریستنسن، همان، ص۱۱۷.
۱۰. نک: م. بویس، همان، ص۱۶۸؛ و ر. ن. فرای، همان، ص۳۵۳؛ و ت. دریایی، همان، ص۱۴۴.
۱۱. نک: م. بویس، همان، ص۲۶؛ و نیز آ. کریستنسن، همان، صص ۱۴-۱۵.
12. Klaus Schippmann, "The Development of the Fire Temple", p2.
۱۳. محمود موسوی، «یادمان خشتی کوه خواجه زابل»، ص۸۲.
۱۴. م. بویس، همان، ص۱۱۸.
۱۵. نک: ه رضی، وندیداد، ص۱۰۹۸؛ و د. هوف، «گنبدها در معماری اسلامی»، ص۴۰۸ و آ. کریستنسن، همان، ص۱۱۴.
۱۶. م. مصطفوی، اقلیم پارس، ص۱۰۵؛ و ماریان موله، ایران باستان، ص۱۲۰.
۱۷. رودolf ناومان، ویرانهای تخت سلیمان و زندان سلیمان، ص۲۲.
۱۸. محمد کریم پیرنیا، سیکشناسی معماري ایرانی، ص۱۱۳.
۱۹. مهدی رهبر، «معرفی نیایشگاه مکشوفه دوره ساسانی در بنديان درگز»، ص۳۱۷-۳۲۱.
۲۰. همان، ص۳۲۷.

کتاب‌نامه

- بویس، مری. زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها ترجمه: عسکر پهرامی. تهران: ققنوس. ۱۳۸۶.
- بیانی، شیرین. شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۴.
- پوپ، آرتور. معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار، ارومیه: انزلی. ۱۳۶۶.
- پیرنیا، محمد کریم. سیکشناسی معماري ایرانی. تدوین غلامحسین معماريان. تهران: سروش دانش. ۱۳۸۴.
- نفضلی، احمد. جامعه ساسانی. ترجمه: شیرین مختاریان و مهدی ناقی. تهران: نشر نی. ۱۳۸۵.
- دریایی، تورج. شاهنشاهی ساسانی. ترجمه: مرتضی ثابتی فر. تهران: ققنوس. ۱۳۸۴.
- رضی، هاشم. وندیداد، ج ۲ و ۳. تهران: سوره. ۱۳۷۶.
- رهبر، مهدی. «معرفی آذریان مکشوفه دوره ساسانی در بنديان درگز». در: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی. ۱۳۷۸.
- فرای، ریچارد نلسون. میراث باستانی ایران. ترجمه: مسعود رجبنا. تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۸۳.
- کریستنسن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: رشدی یاسمی. تهران: صدای معاصر. ۱۳۸۴.
- گدار، آندره. «آذرکده‌ها». در: آندره گدار و دیگران. آثار ایران، ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ۱۳۸۶.
- گدار، آندره. هنر ایران. ترجمه: بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۷.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. التبیه و الاشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۸۱.
- مصطفوی، محمد تقی. اقلیم پارس. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ۱۳۸۲.
- موسوی، محمود. «یادمان خشتی کوه خواجه زابل». در: مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۴. تهران: سازمان میراث فرهنگی. ۱۳۷۵.
- موله، ماریان. ایران باستان. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: توس. ۱۳۸۶.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه. تاریخ روضه الصفا، ج ۱، ب ۲. تصحیح جمشید کیان فر. تهران: اساطیر. ۱۳۸۰.
- «نامة تنسر». ترجمه: ابن اسفندیار، به تصحیح مجتبی مینوی. در: حقیقت، عبدالغیث. حکومت دینی ساسانیان. تهران: کومش. ۱۳۸۶.
- ناومان، رودلف. ویرانهای تخت سلیمان و زندان سلیمان. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: سازمان میراث فرهنگی. ۱۳۸۲.
- هوف، دیتریش. «گنبدها در معماری اسلامی». ترجمه: کرامت‌الله افسر. در: کیانی، محمد یوسف. معماری ایران دوره اسلامی.

- تهران: سمت. ۱۳۸۳. صص ۴۰۲-۴۲۲.
- هوگی، ه. قلعه دختر- آتشکده. تهران: سازمان میراث فرهنگی. ۱۳۷۹.
- یارشاطر، احسان و دیگران. تاریخ ایران، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، ق. ۲. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر. ۱۳۸۰. صص ۲۳۹-۳۴۴.
- Bier, Lionel. Sarvistan, a Study in Early Iranian Architecture. The Pennsylvania state university press, 1986.
- Huff, Dietrich.“Sasanian Čāhār Tāqs in Fars”. In: Firuz Bagherzadeh (ed.), Proceedings of the 3rd annual symposium on archaeological research in Iran 1974, Tehran, *Iranian centre of archaeological research*, 1975, pp. 243-254.
- Reuther, Oscar.“Parthian Architecture”. In: Arthur Upham Pope, *A survey of Persian Art*, vol. 5, London, Oxford University, 1958, pp. 411-444.
- Shippmann, Klaus. “The development of the fire temple”, 5th International Congress of Iranian Art & Archaeology, Tehran, 1972. In: www.cais-soas.com.

